



دو فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات کردی دانشگاه

آزاد اسلامی واحد سنندج

دوره ۱، شماره ۱، پیاپی ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۴

بررسی توصیفی و مقابله‌ای ساخت قید در کردی (سورانی و کرمانجی) و انگلیسی

احمد احمدیان^۱

گروه زبان شناسی همگانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مهاباد، مهاباد، ایران.

DOI:

به‌رواری وه‌رگرتن: ۲۰۲۵/۴/۲۳

به‌رواری قیوول: ۲۰۲۵/۸/۲۵

صفحات: ۱۸۹-۲۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۳

چکیده

در این مطالعه قیده‌های ساده و مرکب در دو گویش سورانی و کرمانجی با هم مقایسه می‌شوند و سپس نتایج با نمونه‌های انگلیسی بررسی می‌شوند. ابتدا ساخت قیده‌های ساده و مرکب در انگلیسی بررسی شده‌اند و سپس دو گونه سورانی و کرمانجی در قیاس با هم و به صورت مقایسه‌ای با قیده‌های انگلیسی مقایسه شده‌اند. همچنین جهت نشان دادن واژگان از حروف لاتین آمریکایی استفاده شده است. براساس درجه بندی سختی سه سطح تفسیر مجدد، تعمیم افراطی، تشخیص سبب ایجاد مشکل برای زبان آموزان کرد شده است و آگاهی از شباهت‌ها می‌تواند یادگیری زبان را برای کرد زبانان آسان کند (انتقال مثبت). با مطالعه و بررسی زبان‌های یاد شده چهار اصل آموزش را می‌توان برای کرد زبانان در نظر گرفت که شامل انتخاب (چه چیزی درس داده شود)، درجه بندی (چه زمانی درس داده شود)، آموزش به صورت مقابله‌ای (برنامه و واحد درسی) و امتحان (آزمایش آنچه آموخته شده است).

کلید واژه: قید ساده، قید مرکب، بررسی مقابله‌ای، تفسیر مجدد، تعمیم گرایی افراطی، تشخیص.

لیکۆلێنهوهیهکی وهسفی و بهراوردکاری له بنیاتنانی رستهی رستهیی به زمانی کوردی (سۆرانی و کرمانجی) و ئینگلیزی.

ئهحمەد ئهحمەدیان

بهشی زمانهوانی گشتی، فاکهلتی زانسته مروڤایهتییهکان، زانکۆی ئازادی ئیسلامی، لقى مههاباد، مههاباد، ئێران.

کورتە

لهو لیكۆلێنهوهیهدا ئاوهلکرداری ساده و لیکدراو له دوو ژیرزاراوهی سۆرانی و کورمانجی پیکهوه بهراورد دهکړین و ئینجا ئاکام و دهرههجامهکی لهگهڵ نمونهی هاوشیوهی له ئینگلیسی دا ههڵدهسهنگیندري. سهرهتا پیکهاتهی ئاوهلکرداری ساده و لیکدراو له ئینگلیسی دا تاوتوی کراون و دواتر له دوو ژیر-زاراوهی سۆرانی و کورمانجی لهگهڵ یهکتر و، ههروهها به شیوازیکی بهراوردکارانه لهگهڵ ئاوهلکرداره هاوشیوه ئینگلیسییهکان بهراورد کراون. بۆ نیشان دانی وشهکان و رسته کوردیهکان له ئهلفوبی دهنگناسی ئهمریکایی کهلک وهگریرهوه. به پیتی پلهبهنیدی «دژواری»، «سی ناستی» «رافهی سههرلهنوی»، «گشتاندنی زیده پۆیانه» و «ناسینهوه» بوونه ته هۆکاری کێشه خولقین بۆ زمان-فیرخووانی کورد زمان. ئاگاداری له سههر و یکچوونهکان دهتوانی رهوتی فیرکاریی زمان، بۆ کورد زمانان ئاسان تر بکات (پاگوژتتی ئهرینی). بههۆی لیكۆلێنهوه، ههڵسهنگاندن و بهراوردکردنی زمانهکانی گۆڕین، دهکری چوار بنهمای فیرکاری بۆ زمان-فیرخووانی کورد زمان دهسته بهر بکهین، که بریتین له: «ههلبژاردن» (چ شتییک وهک وانه و دهرس بگوتریتهوه)، «پلهبهندی» (کهی وانه و دهرس بگوتریتهوه)، «فیرکاریی بهراوردکارانه» (پروگرام و وانه دهرسییهکان) و «تاقیکاری» (ههڵسهنگاندنی نهو شتهی فیری فیرخواز کراوه).

وشهگهلی سههرهکی: ئاوهلکرداری ساده، ئاوهلکرداری لیکدراو، ههڵسهنگاندنی بهراوردکارانه، رافهی سههرلهنوی، گشتاندنی زیده پۆیانه،

ارتباط مسئله ای است که همه انسان ها در طول زندگی با آن سروکار دارند و مطالعه ی فعالیت های بشری باید به آن معطوف شود. ارتباط یکی از فراگیرترین، مهمترین و کامل ترین جنبه های زندگی بشر است. توانایی برقراری ارتباط در بالاترین سطح آن انسان را از بقیه حیوانات متمایز می سازد. زندگی روزمره ما بسیار به ارتباطات ما با دیگران بستگی دارد.

انسان ها با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و زبان یکی از مهمترین و ضروری ترین ابزارهای ارتباط است و برای اینکه فهم متقابل به راحتی برقرار شود، باید به طور نظام مند به کار گرفته شود تا بتوان از توانایی آن برای گفتار راحت تر استفاده کرد. زبان در سطح واژگان و همچنین جملات و نحوه ترکیب آنها با یکدیگر کاملاً نظام مند عمل می کند. هر شکلی از ارتباط برای فهم متقابل باید به صورت نظام مند بیان شود و زبان آموزان باید یاد بگیرند که چگونه با زبانی که یاد می گیرند ارتباط برقرار کنند و بتوانند پیام و هدف خود را به راحتی و دقیق منتقل و دریافت کنند. یکی از مسائلی که باید به جد روی آن بحث و بررسی شود دستور زبان هر زبان می باشد (مونتیث^۱ ۱۹۹۲).

مردم بسیاری از سراسر جهان سعی می کنند تا یک زبان خارجی را یاد بگیرند. بعضی از آنها ممکن است در یک محیط دو یا چند زبانه رشد نکنند و از نحوه آموزش زبان به دلیل مشکلات بسیار زیادی که دارد رنج ببرند، مخصوصاً آنهایی که در دبیرستان یک زبان خارجی را یاد می گیرند. اگر هر دو زبان به هم شبیه باشند ممکن است مشکلات کمتری داشته باشند اما موقعیت گیج کننده خواهد بود و اگر از هم متفاوت باشند، دانش آموز در یادگیری الفبا، آواها و ساخت های دستوری دست پاچه و با مشکل مواجه خواهد شد (ریچاردز^۲ ۱۹۷۵) مانند انگلیسی و کردی، هر چند که هر دو از یک خانواده زبانی و آن هم هند و اروپایی هستند.

^۱ Monteith

^۲ Richards

بنابراین اگر هدف یادگیری زبان برقراری ارتباط مانند شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن از طریق آن زبان و انتقال افکار و اندیشه های مختلف از زبانی به زبان دیگر می باشد، لازم و ضروری است که بر هر دو زبان به خوبی مسلط بود (لِفُور^۱ ۱۹۹۲). یادگیران زبان و معلمان باید این نکته را در ذهن داشته باشند که برای یادگیری و تسلط بر هر زبانی، دستور زبان یکی از مهمترین بخش های آن می باشد و باید بر اجزای گفتار و سخن در زبان مقصد مسلط باشند (مک کی^۲ ۱۹۸۵). دقت نیز به فهم و شناخت ساختارهای هر دو زبان در کنار واژگان، اصطلاحات و سبک بستگی دارد (گنتزلر^۳ ۱۹۹۳). این امر زمانی امکان پذیر است که تفاوت ها و شباهت های ساختارهای جملات و اجزا سخن در هر دو زبان به خوبی مشخص شوند.

هدف بررسی مقابله ای را می توان در گفته های الس^۴ و بقیه (۱۹۸۴: ۳۸) به صورت زیر خلاصه کرد:

- ۱- تفاوت ها و شباهت های دو زبان مشخص شوند؛
 - ۲- ساخت ها توضیح و توصیف شوند و مشکلات در یادگیری زبان دوم مشخص شوند؛
 - ۳- ابزارها و کتابهایی برای آموزش زبان تدوین و تهیه شوند.
- اما به نظر نگارنده یک بعد چهارمی هم وجود دارد. بررسی مقابله ای با همه ی محدودیت هایش در آموزش استراتژی های آموزش ترجمه برای دانشجویان ترجمه و استفاده از آن برای روشن کردن مشکلاتی که آنها ممکن است در ارتباط با کار و هدفشان با آن روبرو شوند نیز بسیار مفید است.

^۱ Lefevere

^۲ McKay

^۳ Gentzler

^۴ Els

هر چند بررسی مقابله‌ای امروز مورد نقد قرار می‌گیرد (نیومارک^۱ و ریبیل^۲ ۱۹۶۸، دیکنسون^۳ ۱۹۷۴) اما هنوز هم کاربرد خود را از دست نداده و در رفع بسیاری از مشکلات یادگیری کمک کننده است (جورج^۴: ۶۷: ۱۹۷۲، استاکول^۵: ۷۹: ۱۹۶۸ به نقل از رضوانی ۲۰۰۳). مقایسه نمونه‌های معادل در دو زبان برای پیدا کردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها به یادگیران زبان در انتقال مثبت یادگیری کمک می‌کند. اگر دو زبان به هم نزدیک و مرتبط باشند مانند انگلیسی و کردی، زبان بومی شبکه‌ای برای یادگیری عناصر و ارتباط‌شان با زبان میزبان را تشکیل می‌دهد که مجموعه مرکب^۶ نامیده می‌شود. یاکوبوویتس^۷ (۱۹۷۰) این مجموعه مرکب را انتقال مثبت در بین زبان‌های مرتبط می‌داند (به نقل از رضوانی ۲۰۰۳).

۲- قید در زبان انگلیسی

قید در زبان انگلیسی شامل واژگان، عبارت‌ها، گروه‌ها و بندهایی می‌باشد که گروه‌های فعلی، صفتی، گروه‌های قیدی دیگر، حروف تعریف، حروف اضافه و اسم را تعریف می‌کند (مستر^۸ ۱۹۹۶) ولی فرانک^۹ (۱۴۱: ۱۹۹۳) معتقد است:

"امری عادی خواهد بود که عناصر متمایز را در بین قیدها جای داد، آن هم آن دسته که نمی‌توانند بین سایر دسته‌بندی‌های اجزا سخن قرار گیرند. قیدها به لحاظ معنایی از واژگانی که معنای محتوایی زیادی دارند تا آنهایی که فقط برای تأکید به کار می‌روند درجه‌بندی می‌شوند.

^۱ Newmark

^۲ Reibel

^۳ Dichenson

^۴ George

^۵ compound setting

^۶ Jakobovits

^۷ Master

^۸ Frank

قیدها به لحاظ کاربردی نیز از نزدیکترین فرع افعال، واژگان مفرد، گروه های حرف اضافه یا بند تا تعدیل دهنده های جملات کامل".

بنابراین، امری دشوار است که بتوان مرزی مشخص بین قیدها و دیگر اجزا سخن کشید. در این رابطه، مستر و فرانک دریافتند که قیدها مشکل ترین دسته واژگان برای تشخیص هستند هم به لحاظ صورت و هم کاربرد.

"اگر مطمئن نیستید واژگان به کدام دسته تعلق می گیرند، حتما جزء دسته قیدها می باشد" (مستر ۲۷۰: ۱۹۹۶).

مشکلات بسیاری در ارتباط با استفاده قیدها و صفات وجود دارد، شباهت هایشان و موقعیت قیدها به این خاطر که متحرک ترین عناصر در میان اجزا سخن می باشند و باید به شیوه ای مطالعه شوند که کاربرد، جایگاه و صورت آنها مشخص شود (اسوان ۱۹۸۹؛ مورفی^۱ ۱۹۹۴). فرانسیس^۲ (۱۹۵۸) نیز معتقد است که قیدها گروهی پیچیده از واژگان، گروه ها و بندها هستند که از لحاظ صورت و توزیع متفاوتند.

۳- دسته بندی قیدها

قیدها به شیوه های مختلف دسته بندی می شوند. فرانسیس (۱۹۷۸)، قیدها را به هشت گروه تقسیم می کند که در گفتار ظاهر می شوند، موقعیت پایانی، بعد از اسم یا اسامی به عنوان مکمل. قیدها همچنین بر اساس کاربردشان نیز تقسیم می شوند - و صفی، مکان، زمان - یا بر حسب موقعیت - ابتدایی، میانی و انتهایی (مستر ۱۹۹۶). در برخی موارد، سایر کاربردها به عنوان تشدید کننده (کمیت و تأکید)، قیدهای جمله ای، قیدهای ربطی، قیدهای توضیحی، قیدهای استفهامی و تعجبی نیز در کتاب های دستور زبان بررسی شده

^۱ Swan

^۲ Murphy

^۳ Francis

اند (فرانک ۱۹۹۳). بیکر^۱ (۱۹۸۹) قیدها را به چهار گروه تقسیم می‌کند: ۱- وصفی (slowly)، ۲- درجه ای (very)، ۳- مکانی (here)، ۴- بسامدی (often).

گذشته از موقعیت، ابتدایی، میانی و پایانی، قیدها را نیز مانند صفات بر اساس کاربردشان دسته بندی می‌کنند، ساده (پایه و مشتق شده) و مرکب (گروه و بند)، تا بتوان آنها را با قیدهای کردی مقایسه و بررسی کرد و قابل فهم تر باشند. در زمینه یادگیران انگلیسی فارسی زبان این کار انجام شده اما برای کردی کاری که جامع و علمی باشد صورت نگرفته است و فقط منابع بسیار کمی در این رابطه وجود دارد ولی کارهایی که برای زبان فارسی صورت گرفته نشان می‌دهد که یادگیری قیدهای ساده از مرکب بسیار راحت تر و ساده تر است و باید مشکلات و نارسایی های کار در رابطه با قیود مرکب بررسی و تشخیص داده شوند.

۱-۳- قیدهای ساده

قیدهای ساده بزرگترین و نشاندارترین گروه در زبان انگلیسی هستند که به دو دسته پایه و مشتق تقسیم می‌شوند و حالت، مکان، زمان، بسامد و درجه (تشدید کننده و کمیت سنجی) را نشان می‌دهند. آنها می‌توانند در موقعیت ابتدایی، میانی و یا پایانی برای تأکید یا رساندن معنای مورد نظر به کار روند (فرانسس ۱۹۵۸، فرانک ۱۹۹۳، مورفی ۱۹۹۴، مستر ۱۹۹۶).

۲-۳- قیدهای پایه

قیدها می‌توانند به حالت پایه وجود داشته باشند و به عنوان حرف تعریف برای فعل، صفت، قید، ضمیر و غیره به کار می‌روند:

He eats fast. (manner)

^۱ Baker

He works there. (place)

He put the package in. (place-preposition)

She will come after. (time)

You always tell lie. (frequency)

She is very pretty. (degree)

I wanted just to inform you. (modifier of preposition/ intensifier)

He plays quite well. (modifier of adverb)

Over fifty teams participated in the competition. (modifier of determiner)

Next, we will do the other exercises. (sequence)

در این گروه، همه قیدهایی که در حالت پایه هستند قابلیت دسته بندی و استفاده در گروه های مختلفی را دارند (ابتدایی، میانی و پایانی) تا بتوان تأکید بیشتری روی سایر قسمت های جمله داشت.

There, he works.

Always, you tell lie.

۳-۳- قیدهای اشتقاقی

بخش اعظمی از قیدها را آنهایی تشکیل می دهند که با پسوند و پیشوند ساخته می شوند.

۳-۳-۱- قیدهایی که با پیشوند ساخته می شوند

الف) آنهایی که با اضافه کردن یک پیشوند اشتقاقی 'a-' به اسامی، افعال، صفات و ریشه هایی همچون ahead, aloud, anon and astir ساخته می شوند. این گونه قیدها در برخی از فرهنگ لغت ها و کتاب های دستور زبان به عنوان صفت در نظر گرفته می شوند. اما زمانی که در موقعیت قید قرار می گیرند و نه در موقعیت صفت، به آنها قید می گویند (فرانسس ۱۹۵۸، فرانک ۱۹۹۳، مستر ۱۹۹۶).

ب) قیدهای *already*، *also*، *although*، *etc.* این گروه محدود هستند اما در زبان انگلیسی کاربرد بسیار وسیعی دارند.

۲-۳-۳- قید با پسوند

الف) قیدهای *ly* که با اضافه کردن *-ly* به صفات (پایه یا اشتقاقی) ساخته می‌شوند و گروه‌های بزرگ تری را در زبان انگلیسی می‌سازند مانند: *eagerly*، *slowly*، *quickly*، *willingly*، *surly*، *etc.* این قیدها در اصل قیدهای حالت هستند و بخش بزرگی از دسته صفات پایه و اشتقاقی را تشکیل می‌دهند غیر از چند صفتی که با *-ly* ساخته می‌شوند و نمونه‌هایی که به نظر قید نمی‌آیند و صفت هستند حتی با اضافه کردن *-ly* به پایه. مانند: *goodly & lively*

همچنین قیدهای دیگری نیز وجود دارند (مکان، درجه، زمان و غیره) مانند *locally*، *monthly* که با اضافه کردن *-ly* به اسامی و صفات ساخته می‌شوند.

ب) گروه دیگری از قیدها که از دسته اولی کمترند آنهایی هستند که با اضافه کردن پسوندهایی مانند *"-wise"*، *"-wards"*، *"-side"*، *"-er"* and *"-est"* به اسامی، حروف اضافه، قیدها و غیره ساخته می‌شوند مانند: *clockwise*، *backwards*، *inside*، *oftener*، & *furthest* (فرانسس ۱۹۵۸، فرانک ۱۹۹۳، مستر ۱۹۹۶، تولیس^۱ ۱۹۹۷).

۴-۳- قیدهای مرکب

^۱ Thewlis

قیدهای مرکب (گروه ها و بندها) نیز قاعده کلی حالت، مکان، زمان، علت معلول و ... را تبعیت می کنند. این قیدها در ابتدا یا انتهای جملات به کار می روند و به ندرت در موقعیت میانی.

۱-۴-۳- گروه های قیدی

گروه های قیدی نیز قاعده کلی حالت، مکان، زمان، علت معلول و ... را مانند قیدهای ساده رعایت می کنند اما دسته کمتری را نسبت به آنها تشکیل می دهند و به دو شکل زیر ساخته می شوند:

۱- قیدهایی که با ترکیب یک ضمیر اسمی مانند "some", "every", "not", etc. تعداد محدودی از اسامی و واژگان کاربردی ساخته می شوند مانند: someplace,

everywhere, nowhere and so forth

۲- قیدهایی که از یک حرف اضافه و اسم ساخته شده اند یا از گروه اسمی و در کاربردهای متفاوت مانند: with a car, by far, along the street, across the

province, in return, by the way, in other way, etc.

مصادر و گروه های حروف اضافه مصدری که حالت، مکان، زمان و دلیل را نشان می دهند در این مقوله قرار می گیرند. مانند:

They went to sleep.

You came after the class end.

بنابراین، همه گروه ها (مصدر، اسم مصدر و غیره) که می توانند جای قیدهای ساده را در جمله بگیرند باید دارای این شرایط باشند.

۳- گروه هایی که از دو اسم ساخته شده اند (گروه های اسمی) مانند weekend,

"this" و Sunday morning, or last night از جانشین های قیدی مانند:

"there" and "so" به علاوه یک اسم و یا یک قید مانند this way, so far, etc.

(فرانسس ۱۹۵۸، فرانک ۱۹۹۳، مستر ۱۹۹۶، تولیس ۱۹۹۷). جانشین‌های قیدی محدود به "then", "thus", "there", and "so" به عنوان قیده‌های ساده در نظر گرفته می‌شوند.

۲-۴-۳- بندهای قیدی

بندهای قیدی نیز می‌توانند همان کاربرد قیده‌های ساده را داشته باشند. آنها بیشتر شبیه بندهای وابسته‌ای هستند شامل یک مشخص‌کننده و رابطه فاعلی-فعلی هستند. مشخص‌کننده یا واژه شروع‌کننده به بند نیاز دارد تا به گزاره کامل دیگری (بند اصلی) وصل شود. این دسته از قیدها اکثراً در پایان یا ابتدای جملات قرار می‌گیرند ولی بسیار به ندرت در میانه، جایی که با ویرگول از هم جدا می‌شوند، قرار می‌گیرند و به عنوان عاملی برای برهم زدن آهنگ جمله به کار می‌روند. این گونه از قیدها به عنوان قیده‌های حالت، مکان، زمان، علت، معلول، بسامد، شرطی، هدف، قیاس، اضافه و غیره به کار می‌روند (نابر^۱ ۱۹۹۳، فرانک ۱۹۹۳، مستر ۱۹۹۶، تولیس ۱۹۹۷). مانند:

Azade was studying when her friend arrived. (time)

Parisa is living where she was born. (place)

Hedi left the classroom as though he didn't study well. (manner)

Helen study as hard as her brother does. (comparison)

My parents couldn't come soon, although they tried very hard. (concession)

While Rezan is friendly, her mother has few friends. (adversion)

As he was in a hurry, he got the first taxi. (cause)

The school was moved so that they can reduce the students. (purpose/ reason)

He will come unless it rains. (condition)

This is such a bad book that I am going to throw it away. (result)

This machine is more efficient than the old one was. (degree)

He bought a book, in addition she received a gold pen. (addition)

He filled an application, after that he found a job. (sequence)

هر کدام از این بندهای بالا با سایر تابع و متبوع های دیگر که به خاطر حجم مقاله ذکر نشده اند نیز به کار می روند. نقش و کاربرد قید در انگلیسی بسیار زیاد است و در هر متنی می توان آنها را دید هم در متون نوشتاری و هم در متون شفاهی. بنابراین، نیاز به تمرین و تکرار زیاد آنها وجود دارد زیرا بدون این کار نمی توان قیدها را در تمامی مقوله های گفتار، نوشتار، شنیدار و درک مطلب آموخت.

۴- قید در زبان کردی

در زبان کردی به دلیل آنکه به شیوه ای نظام مند و علمی بر روی قیدها کار نشده است و تالیفات بسیار محدودی در این زمینه وجود دارد، لذا قیدها به خوبی مشخص نشده اند و لی برخی از واژگان وظیفه قید را بر عهده دارند و با نمونه انگلیسی نیز مطابقت دارند. برخی اسامی، یا واژگانی که به عنوان اسم به کار می روند، اسامی ای که با حروف اضافه ترکیب می شوند و برخی صفات می توانند به عنوان قید استفاده شوند. همه ی قیدها، از هر کدام از اجزای سخن که باشند، فعل، صفت یا سایر قیدها، حروف اضافه و غیره را تعریف می کنند (لمبتن^۱ ۱۹۶۷، خانلری ۱۳۶۲، گیوی و انوری ۱۳۸۵).

قیدهای کردی را به همان شکل انگلیسی طبقه بندی می کنیم تا بتوان راحت تر آنها را مقایسه کرد، بنابراین تفاوت ها را می توان بهتر و روشن تر مشخص کرد. قیدها معمولاً قبل از واژگان، گروه ها یا بندهایی که آنها را تعریف می کنند به کار می روند اما اگر معنای آنها تغییر نکند و عادی به نظر برسند در سایر قسمت ها نیز به کار می روند.

۴-۱- قیدهای ساده

^۱ Lambton

قیدهای ساده، مانند دیگر گروه‌های قیدی - مرکب و اشتقاقی - شامل قید حالت، مکان، زمان، بسامد و درجه هستند (لمبتن ۱۹۶۷، خانلری ۱۳۶۲، مشکوه‌الدینی ۱۳۷۰). قیدهای ساده اکثراً قبل از آنچه را که تعریف می‌کند قرار می‌گیرند و برخی از آنها در موقعیت ابتدایی و تعداد بسیار کمی در موقعیت پایانی به کار می‌روند. این قیدها شامل صورت‌های پایه و اشتقاقی هستند که به صورت زیر به کار می‌روند:

۲-۴- قیدهای پایه

قیدهای پایه در کردی سورانی، قیدهایی هستند که شکل پایه دارند و ممکن است در انگلیسی معادل آنها قیدهای اشتقاقی یا مرکب باشند. برخی از قیدهای پایه مانند حالت

شبیبه صفات عمل می‌کنند و تنها بر اسماء کلاسیک و مشتقات آنها (قید مکان) (الف) او آرام حرف می‌زند. (قید حالت): بابام اینجا درس می‌خواند. (قید مکان)

سورانی: /aw sabər qesân dakâ/ س: /bâbəm lera dars-e daxwene/

father-my here lesson-Ezafe study. he slow talk do.

کرمانجی: /hedi dâxuwa/ ک: /bâbem lera dexune/

slow talk do.

ج) رزان امروز غذا می‌خورد. (قید د) علی همیشه کار می‌کند. (قید بسامد)

س: /Ali hamiša kêre daka/ س: /zân ?awro çešte daxwâ/

Ali always work do. Rezân today food eat.

ک: /ezân iro xârene dexwa/ ک: /Ali hameša dexabeta/

Rezân today food eat.

ه) راژان خیلی غذا می‌خورد. (قید و) هزار بسیار سریع می‌خواند. (تعریف کننده قید)

س: /Hazhâr zor ba tundi dars daxwene/

Hazhâr very pre-fast lesson study.

ک: /Hazhâr gala xwaš dexuna/

س: /Râzhân zor çešte daxwâ/

Râzhân a lot food eat

ک: /Râzhân galak xârene dexwa /

Râzhân a lot food eat

(ز) هیدی دقیقاً سر وقت آمد. (ت ح) بعد، مامان به خانه می آید. (قید نتیجه)

س: /qiqan waxti xoy hât/ س: /dwâya, dâya deta wa mâle/

then, momy will come to home. li exactly time on came.

ک: /li durust waxtidâ hât/ ک: /dwâya, mâmân teta mâlâ/

li exactly time-on came.

در این دسته بندی، حرف تعریف ضمیر غایب است، به این خاطر که در کردی سورانی

حرف تعریف به بخش بعدی جمله با گ ه ه (بخش م ک) متعلق است. با مقایسه حملات
زیر می توان قیدهای حالت را از ش

الف) او خوب سخن می گوید. (قید) س: /?aw partuka čâka/

that book well is. س: /?aw čâk qsa dakâ/

ک: /?ew keteba âša/ he well speak do.

ک: /?ew bâš deâxuva/

he well speak-do.

بیشتر قیدهای حالت در موقعیت ابتدایی یا پایانی قرار نمی گیرند ولی قیدهای بسامد و

زمان می توانند در موقعیت ابتدایی قرار بگیرند در حالی که قیدهای مکان ممکن است در
موقعیت پایانی قرار بگیرند.

الف) همیشه او می آید. (قید به ب) پریروز او روزه گرفت. (قید زمان)

س: /pere ?aw rožuy gært/

the day before yesterday he fast got.

س: /hamiša ?aw det/

always he comes

ک: /hameša ew tet (te)/

always he comes

ج) هلن رفت مدرسه. (قید مکان)

س: /Helen ču bo madrasa-y/

Helen went to school-ezafe

ک: /Helen ču madrase/

Helen went to school

۳-۴- قیدهای اشتقاقی

قیدهای اشتقاقی کردی سورانی، با اضافه کردن پسوند یا پیشوند به اسم‌ها، ضمائر، صفات و واژگان پرسشی ساخته می‌شود. آنها شامل گروه‌های زیر می‌شوند:

الف) یک صفت + پسوند /-âna/

/kar + âna/

س: /karâna/ (احمقانه)

/ahmaq + âna/

ک ۱: /ahmaqâna/ (احمقانه)

/be + ahmaqi/

ک ۲: /beahmaqi/ (احمقانه)

crazy + -ly

→ /crazily/

البته واژگان خر و احمق هم به عنوان اسم و هم صفت نیز استفاده می‌شوند.

ب) قید + پسوندهای قیاسی یا برترین مانند /-tər/ و /-trin/

/čâk + tər/

س: /čâktər/ (خوبتر)

/bâš + ter/	ک: /bâšter/ (خوبتر)
well +	→ better
/čâk + trin/	س: /čâktrin/ (خوبتر)
/bâš + terin/	ک: /bâšterin/ (خوبتر)
well +	→ best
ج) اسم + پسوند /-âna/	
/šaw + âna/	س: /šawâna/ (شبانه)
/šav + âna/	ک: /šavâna/ (شبانه)
night + -ly	→ /nightly/
د) ضمیر + پسوند /-jura/	
/pyâw + âna/	س: /pyâwâna/ (مردانه)
/piyâv + âna/	ک: /piyâvâna/ (مردانه)
night + -ly	→ /manly/
ه) ضمیر + پسوند /-jâr/	
/ʔaw + jura/	س: /ʔawjura/ (اینگونه)
/vi + jurayi/	ک: /vijurayi/ (اینگونه)
this + way	→ (in) this way
و) ضمیر + پسوند /-jâr/	
/ʔaw + jâr/	س: /ʔawjâr/ (آنگاه)
/we + dame/	ک: /wedame/ (آنگاه)
/hengi/	ک: /hengi/ (آنگاه)

that + time → then

(و) تکواژ پرسشی /čon/ + پسوند /-kâyi/

/ čon + kâyi / س: /čon-a-kâyi/ (چه جورى)

/četo/ ک ۱: /četo/ (چه جورى)

/čâvân/ ک ۲: /čâvân/ (چه جورى)

what + way → how

(ز) پیشوند مانند /ba/ + اسم

/ ba + hâsâni / س: /bahâsâni/ (به آسانى)

/ be + âsâni / ک: /ba?âsâni/ (به آسانى)

in + easy → easily

ح) قیدهای شمارشی که از زبان عربی گرفته شده اند و با اضافه کردن /-an/ به اعداد ترتیبی درست می شوند.

/?awal + an/ س: /?awal-an/ (اولاً)

/yâ + yeke/ ک: /yâyeke/ (اولاً)

first → first

ط) اسم + پسوند /-an/

/?itifâq + an/ س: /?itifâq-an/ (اتفاقاً)

/?az + qazâ/ ک: /?azqazâ/ (اتفاقاً)

chance (event) + by → by chance

ی) پیشوند /-babe/ و /-la/ + اسم

/babe + šart/	س: /babešart/ (بهون شرط)
/be + marj/	ک: /bemarj/ (بدوو شرط)
without + condition	→ unconditionally
/la + ?âqal/	س: /la?âqal/ (حداقل)
/?aqal + an/	ک: /?qalan/ (حداقل)
at + least/ less	→ at least

ک) مصدر زمان حال نیز به عنوان قید به کار می رود.

س: /?aw ba-geryân hât/ (او گریان آمد)

ک: /ew ba-geri hât/ (او گریان آمد)

he crying came (he came drying).

ل) اسم + پسوند /a/ که اغلب با یک واژه کمیت همراه است: /har/, čæn/, /šæš/

س: /har mâha/ (هرماهه) /mâh + a mâha/

ک: /har hayv/ (هرماهه) /hayv/

→ monthly month + -ly

م) صفت + /-a/

س: /hamiša/ (همواره) /hamiš + a/

ک: /hameša/ (همواره) /hameš + a/

→ always even + -ly

ن) اتباع و متبوع

/wərda + wərda/	س: /wərda wərda/
/hedi + hedi/	ک: /hedi hedi/
gradually + gradually	gradually

۴-۴-۴- قیدهای مرکب

قیدهای مرکب (گروه‌ها و بندها) در کردی مانند انگلیسی بسیار پیچیده و مشکل است. این قیدها نیز در همان جایگاه قیدهای ساده می‌نشینند.

۱-۴-۴-۴- گروه‌های قیدی

گروه‌های قیدی در کردی به شکل‌های زیر ساخته می‌شوند:

۱- ترکیب عدد + اسم

س: /dusad bâr/ (دویست بار)، /čwâr lâ/ (چهار لا)، /se yân/ (سه گانه)

ک: /dosad jâr/ (دویست بار)، /čâr lâ/ (چهار لا)، /sehâna/ (سه گانه)

(three types/ forms), (four folds), (hundred times)

۲- تکرار عدد به همراه حرف ربط /ba/, /dâna/

س: /du ba du/ (دو به دو)، /penj dâna penj dâna/ (پنج تا پنج تا)، /se ba se/

(سه به سه)

ک: /du duya/ (دو به دو)، /penj penj/ (پنج تا پنج تا)، /se seya/ (سه به سه)

(Three by three), (five by five), (two by two)

۳- ترکیب چند عدد با هم طوری که یک سازه را تشکیل دهند.

س: /penj šaš/ (پنج شش)، /čârda pâzda/ (چهارده پانزده)

ک: /penj šaš/ (پنج شش)، /čâra pâzda/ (چهارده پانزده)

(forteen or fifteen), (five or six)

۴- حرف اضافه + اسم

س: /ba lâqi/ (با پا)، /ba penusi/ (با مداد)، /ba mâšeni/ (با ماشین)، /ba
dučarxay/ (با دوچرخه)
ک: /pe peya/ (با پا)، /pe qalama/ (با مداد)، /pe mâšine/ (با ماشین)، /pe
dučarxe/ (با دوچرخه)
(by bicycle), (by car), (with pen), (with leg)

۵- حرف اضافه + قید ساده زمان یا مکان

س: /hatâ šanba-y/ (تا شنبه)، /hatâkune spayne/ (تا فردا)، /hatâ dušanba-y/
(تا دوشنبه)
ک: /hatâ šambiye/ (تا یکشنبه)، /hatâ spay/ (تا فردا)، /hatâ dumbiye/ (تا
دوشنبه)
(by Monday), (until tomorrow), (by Saturday)

۶- اعداد کسری

س: /čwâr penjum/ (چهار پنجم)، /se šašum/ (سه ششم)
ک: /čâr penj/ (چهار پنجم)، /se šaš/ (سه ششم)
(three six), (four five)

۷- ضمیر اسمی + اسم یا گروه اسمی

س: /hendek xalk/ (برخی مردم)، /hendek la kəçakân/ (بعضی دخترها)
ک: /hendak merova/ (برخی مردم)، /hendek keçekâ/ (بعضی دخترها)
some girls, some people

ضمیر + گروه حرف اضافه

س: /zorek la ?ewa/ (بسیاری از شما)، /law hawâ sârday dâ/ (در این هوای سرد).

ک: /galak že va/ (بسیاری از شما)، /nâw sârâ havâ/ (در این هوای سرد).

In this cold weather, many of you

۸- ترکیب /har/ + اسم

س: /har kas/ (هر کس)، /har sâl/ (هر سال)

ک: /har kas/ (هر کس)، /har sâl/ (هر سال)

every year or yearly, any preson

۹- گروه‌های مرکبی که به عنوان حرف ربط به کار می‌روند.

س: /kâtek ka/ (وقتی که)، /har lagal way ka/ (به محض اینکه)، /jurek ka/

(طوری که)، /la suratekdâ/ در صورتیکه

ک: /waxteku/ (وقتی که)، /haku/ (به محض اینکه)، /jurak/ (طوری که)، /naku/

در صورتیکه

(although, whereas, in the event that), (in the way that), (as soon as), (when)

این ترکیبات اکثراً به عنوان حرف ربط که چند بند را به هم وصل می‌کنند به کار می‌روند.

لازم به ذکر است، مقوله‌هایی که در اینجا ذکر شدند تنها کاربرد زمانی و مکانی آنها مد

نظر بوده و سایر کاربردهای آنها نادیده گرفته شده‌اند.

س: /hatâkune ?idâra/ (تا اداره)، /ba kayf/ (خوشحال)، /ba qalsi/ (با ناراحتی)

س: /hatâ idâre/ (تا اداره)، /xošâl/ (خوشحال)، /ba naehati/ (با ناراحتی)
(with sadness, sadly), (with happiness, happily), (as far as office)

۱۰- بسیاری از اصطلاحات و ضرب المثل ها نیز به عنوان قید به کار می روند.

س: /pežmarga/ (جان بر کف)

ک: /jângori/ (جان بر کف)

Courageously or devotedly

۲-۴-۴- قیدهای بندی

قیدهای بندی در کردی شامل شرطی، علت، مکان، زمان، حالت، هدف، مقایسه، تباینی، نتیجه، بسامد و غیره (لمبتن ۱۹۶۷، خانلری ۱۳۶۲، مشکوه الدینی ۱۳۷۰). برخی از حروف ربط کردی که بندها را به هم وصل می کنند عبارتند از:

س: /har/ (هر)، /?agar/ (اگر)، /nakâ/ (مبادا)، /harkâtek/ (هروقت)،
/harčandka/ (هرچندکه)، /?estâ/ (هنوز)، /balâm/ (ولی)، /čun (ka)/ (چون
(که))، /hatâkune/ (تا، تا اینکه)، /har?awayka/ (همینکه)، /pešwayka/ (پیش از
اینکه)، /dwaywayka/ (پس از اینکه)...

ک: /har/ (هر)، /agar/ (اگر)، /mabâdâ/ (مبادا)، /har waxt/ (هروقت)،
/harčandku/ (هرچندکه)، /hestâ, hala/ (هنوز)، /le, bale/ (ولی)، /čemku/
čunku/ (چون (که))، /hatâku, hatâ/ (تا، تا اینکه)، /gâvâku/ (همینکه)، /bariku/
pešku/ (پیش از اینکه)، /pâšku/ (پس از اینکه)...

(each or every), (if), (lest), (if or whenever), (even if, although or
however), (still, yet), (but), (because), (that, in order that, until), (as
soon as), (before), (after)...

تمامی این حروف ربط و قیدهای ربط، بندهای قیدی را به هم وصل می‌کنند. جهت جلوگیری از اختلال و صرفه جویی در زمان و مکان، چند مثال ذکر می‌شود تا بتوان شباهت‌ها و تفاوت‌ها مشخص شوند.

الف) وقتی که مرا صدا زد کار می‌کرد (ب) تا به خانه رسیدید به من خبر دهید.

س: ni herdəm kârəm dakêrd / hatâku gayštna mâle pemblen / س:

ک: âzi kerem men šol deker / ku gahašti mâl men pe behasine / ک:

ed me he work I was doing.
as soon as reach the home to me inform
I was working when he called me.

ج) این را خواند تا همه لذت ببرند.

س: ?away xwend hatâku hamu kayfepkan / س:

ک: ava xwând hatâku hamu lazate beban / ک:

this read that all enjoy.
he read this so that all enjoy.

د) اگر وقت کنم مقاله را می‌نویسم.

س: ?aga waxt pkam, maqâlakay danusəm / س:

If time have I paper the wrote I
ک: agar waxte men hebu, aze maqâle benvisəm / ک:

If time I have I paper wrote I
If I have time, I write the article.

ه) او در جایی زندگی می‌کند که به دنیا آمد.

س: ?aw lajegâyekei dažit ka hâtwata dənâyâ / س:

ک: /aw jiyekedâ dežit yâ ku tedâ hâti dunyâye/

He Pre-where-Det live-he, that was born
He lives where he was born.

(و) او طوری زندگی می کند که گویی شاهزاده است.

س: /ʔaw jurek deži harwak daley šâhzâdaya/

ک: /av jurake dežit ku tudabeži šâzâdaya/

He lives as though he is prince
He lives as though he is prince.

(ز) چون خوب درس خواند در امتحان قبول شد.

س: /čon čâki dars xwend la ʔimtihânedâ qabul bu/

ک: /čonku bâš dars xând emtehânedâ qabul bu/

Because well lesson studied in exam passed he
He passed the exam because he studied well.

(ح) اگرچه خسته بود آن کار را تمام کرد.

س: /harčand mându bu ʔaw kêray tawâw kerd/

ک: /harčand ku wastîâ bu ew šol xelâs ker/

although tired was he that work finished he
although he was tired, he finished that work.

(ط) در حالی که صمیمی است در کار خود بسیار جدی است.

س: /la hâlekdâ zor ba xulqa la ʔiškay xoydâ zor jedyâ/

While very pre-friendly in work-himself very serious is
ک: /le hâlakedâ ku samimiya šola xwedâ galak mejeda/

While that friendly work-himself very serious is
While he is friendly, he is very serious in his work.

ی) او علاوه بر درس، مقاله را هم نوشت.

س: /ʔaw jga la dars, maqâlakaši nusi/

He in addition to homework an article also wrote

ک: /awi beli darse, maqâla ži nevisi/

He in addition homework an article also wrote

He wrote an article in addition he wrote the homework.

ک) او با همان جدیت برادرش درس می خواند.

س: /ʔaw baqdray brâkay dares daxwene/

ک: /aw be mejediyâ berâye xwe dares dexwina/

He as...as hard his brother study.

He studies as hard as his brother.

ل) او به اداره رفت، بعد به مادرش تلفن کرد.

س: /ʔaw ču bo ?idâray, dwâya zaŋi bo dâyki ledâ/

She went to office, then called to mom her

ک: /aw čo idâre, pâši bo dâykâ xo telefun ker/

She went office, then to mom her called to

She went office, after that/ then she called her mom.

م) تو بیش از پدرت کار می کنی.

س: /ʔato zyâtər la bâbet ?iš dakay/

You more than of father your work

ک: /tu bâbe xo zedater šol dekay/

You father your more than work

You work more than your father work.

در زبان کردی ساخت بندهای قیدی مختلف با حروف ربط مختلف امکان پذیر است که آوردن مثال های بیشتر از توان این مقاله خارج است. با توجه به این که در این زبان حروف ربط و متصل کننده ی بسیار زیادی وجود دارند، دایره ی وسیعی از جملات را می توان در مقابل هر جمله ی انگلیسی به کار برد که انعطاف و توانایی زبان کردی را در جمله سازی و واژه سازی نشان می دهد. اما نمی توان تمام این حروف را مشخص کرد و کاربرد آنها را به طور شفاف مشخص ساخت چون تا کنون هیچ کار علمی و دقیقی در این باره صورت نگرفته و کاستی های زیادی احساس می شود که نیاز به مطالعه جدی توسط پژوهشگران دارد.

ن) وقتی تو آمدی برادرت رفت.

س: /kâtek hâti brâyakat royšt/

When came you brother your left

ک: /waxte tu hâti berâye ta čo/

When you came brother you left

When you came, your brother left.

قید در این جمله س: /kâtek hâti/، ک: /waxte tu hâti/ (When you came)

می باشد نه /kâtek/ یا /waxte/. به خاطر اینکه اگر پرسیده شود، برادرت کی رفت؟

جواب وقتی /kâtek/ نیست، اما این /kâtek hâti/ یا /waxte tu hâti/ هستند که قید

به شمار می روند. بنابراین حروف ربط کردی به تنهایی قید و حروف ربط در نظر گرفته

نمی شوند.

بر اساس درجه بندی میزان سختی و دشواری که توسط پری‌تور (۱۹۶۷) در شش سطح ارائه شده است، سه سطح تف‌سیر مجدد^۱، تعمیم افراطی^۲، تشخیص^۳ سبب ایجاد مشکل برای زبان آموزان کرد شده است و همان طور که قبلاً اشاره شد آگاهی از شباهت‌ها می‌تواند یادگیری زبان را برای کرد زبانان آسان کند (انتقال مثبت^۴). آنچه باعث مشکل در شرایط کنترل شده نظام قیدی می‌شود، الزاماً در زبان مقصد اتفاق نمی‌افتد. محققان دیدگاه‌های متفاوتی را درباره تأثیر بررسی مقابله‌ای در یادگیری دارند. کرد^۵ (۱۹۷۸) فرضیه ضعیف^۶ را برای طراحی برنامه درسی در نظر می‌گیرد، طوری که پیشرفت نتایج یادگیری زبان دوم تحت سلطه زبان مادری است و در صورتی که شباهت‌های دو زبان مشخص شوند یادگیری زبان راحت‌تر صورت می‌گیرد و اگر صورت زبان اول و دوم متفاوت باشد، زبان آموز مجبور است ویژگی‌های زبان دوم را با توانایی‌های شناختی خود تطبیق داده تا راحت‌تر زبان را بیاموزد (کرد ۹۲: ۱۹۷۸ به نقل از رضوانی ۲۰۰۳).

۱-۵- برنامه ریزی درسی برای کردزبانانی که انگلیسی را می‌آموزند

با مطالعه و بررسی زبان‌های یاد شده چهار اصل آموزش را می‌توان برای کرد زبانان در نظر گرفت که توسط جیمز^۷ (۱۹۸۱) مطرح شده است که شامل انتخاب^۸ (چه چیزی درس

^۱ reinterperetation

^۲ overdifferentiation

^۳ underdifferentiation

^۴ positive transfer

^۵ Corder

^۶ weak version

^۷ James

^۸ selection

داده شود)، درجه بندی^۱ (چه زمانی درس داده شود)، آموزش به صورت مقابله ای^۲ (برنامه و واحد درسی) و امتحان^۳ (آزمایش آنچه آموخته شده است).

۲-۵- انتخاب

این اصل عنوان می کند که زبان آموز زبان دوم را برا ساس ویژگی های زبان مادری یاد نمی گیرد و براساس گفته های چامسکی زبان آموز ویژگی های زبان دوم را به دلیل (جهانی های زبان) می داند. جیمز (۱۰۹: ۱۹۸۱) عنوان می کند:

"زمانی که زبان آموز با همه ویژگی های زبان دوم سر و کار دارد، باید این فرصت به او داده شود که هم از انتقال مثبت جهت یادگیری استفاده کند و هم اینکه آنچه را نمی داند بیاموزد".

بنابراین، به نظر می رسد که انتخاب دارای دو فاز است، فازی که باید تثبیت شود (زبان آموز باید نسبت به آن آگاه باشد) و فازی که باید آموخته شود. اولی باعث آسان سازی یا انتقال مثبت می شود و دومی به تفاوت ها بر می گردد و با مشکلات و دشواری های یادگیری مرتبط است. کردزبانی که انگلیسی می آموزد، ناخودآگاه بیشتر قیدها را می داند جز برخی موارد مانند: *backwards, oftener, inside, anon, although* و *someplace* و قیدهای مرکب و اشتقاقی. معلم باید تمرینات بیشتری را در ارتباط با قیدهای مشتق و مرکب ارائه دهد تا میزان یادگیری به صورت خودکار بیشتر شود. بر اساس نتایج بررسی مقابله ای قید بین گونه های کردی با انگلیسی بهتر است گونه های قیدی به صورتی که در این مطالعه تقسیم بندی شده اند دسته بندی و آموزش داده شوند و نمونه های بیشتری بیان شوند.

^۱ grading

^۲ contrastive teaching

^۳ test

۳-۵- درجه بندی

در برنامه ریزی یک ترم یا واحد درسی، دسته بندی موضوعات از اهمیت بسزایی برخوردار است، طوری که مشخص شود از کجا آموزش باید شروع شود، از آسان به مشکل یا برعکس. به دلیل برخی ویژگی های همگانی زبان یادگیری باید از آسان به مشکل باشد. به نظر می رسد که عناصر متناظر در زبان دوم باید اول از هر چیزی فرآموخته شوند (جیمز ۱۲۶: ۱۹۸۱). بر اساس این فرضیه برنامه ریزی درسی به صورت زیر پیشنهاد می شود. معلم می تواند تمام قیدهای مشابه را در دو زبان از قیدهای ساده و پایه مشخص کند. ابتدا برای اینکه زبان آموزان از شباهت ها آگاه شوند و به آنها اطمینان داده شود آنچه می شنوند و می بینند مشابه نمونه های کردی است. به عنوان مثال قیدهای ساده:

fast, there, after, always, very, quite, next, over etc.

۱-۳-۵- استفاده از راهبرد شناختی در آموزش

بسیار مفید خواهد بود اگر معلم از راهبرد شناختی در آموزش استفاده کند. از آنجایی که این زبان ها هم خانواده هستند لذا موارد مشابه زیادی بین آنها وجود دارد. این راهبردشناختی فرآیند یادگیری را بسیار آسان می کند به این خاطر که شباهت ها را بیان می کند و باعث انتقال مثبت می شود.

انگلیسی	کرمانجی	سورانی
at least, less	/ʔqalan/	/laʔâqal/
unconditionally	/bemarj/	/babešart/
always	/hameša/	/hamiša/

Three by three	/se seya/	/se ba se/
----------------	-----------	------------

۴-۵- آموزش مقابله ای

در این بخش برای یک واحد درسی آموزش همزمان هر دو زبان پیشنهاد می شود، به این دلیل که شامل ارائه ی همزمان نظام ساخت زبانی دو زبان می باشد و نظام زبان دوم در مقایسه با زبان اول قرار می گیرد (جیمز ۹۹: ۱۹۸۱). حالا به دو زبان کردی (زبان اول) و انگلیسی (زبان دوم) برمی گردیم. برخی صورت ها را می توان مطرح کرد و به صورت مستقیم آموزش داد و به زبان آموزان مثال هایی نیز ارائه شود تا مفاهیم شفاف سازی شوند و نکته مورد نظر به خوبی آموزش داده شود، طوری که مشخص شود که کجا و چه تعداد قید ساده، مشتق و مرکب برای کردی داریم و چه تعداد و کجا برای انگلیسی و اینکه این امکان وجود دارد که در کردی برخی قیدها وجود داشته باشند ولی در انگلیسی نه و بر عکس و اینکه جایگاه کاربرد آنها در هر دو زبان کجا می باشد.

خوانندگان علاقه مند می توانند به مثال ها و دسته بندی های بالا مراجعه کرده و آنها را مشخص کنند. این کار را می توان برای تمامی جنبه های نظام قیدی در هر دو زبان انجام داد تا زبان آموز درک، دانش و آگاهی بیشتری راجع به قید در دو زبان کسب کند. فینوک شایر^۱ (۳: ۱۹۶۶ به نقل از رضوانی ۲۰۰۳) عنوان می کند که باید دو زبان به صورت مقابله ای طوری آموزش داده شوند که زبان آموزان از خطاها و اشتباهات احتمالی آگاه شوند و درک و دانش کافی در خصوص نظام ساختاری هر دو زبان را کسب کنند. هامرلی^۲ (۱۰۸: ۱۹۷۳ به نقل از رضوانی ۲۰۰۳) اظهار می دارد که تأثیر تمرینات مقابله ای را زمانی موثر می داند که زبان آموز قادر باشد درست و غلط را تشخیص دهد و آنها را یاد بگیرد.

۵-۵- امتحان و آزمایش

^۱ Finocchiario

^۲ Hammerly

ارزیابی یکی از مهمترین بخش‌های آموزش و تدریس زبان می‌باشد، به این دلیل که دانش زبان آموز را به خوبی نشان می‌دهد و میزان تأثیر مواد درسی و نحوه آموزش و تسلط زبان آموز را نشان می‌دهد. یک آزمون خوب باید از پایایی^۱ و روایی^۲ برخوردار باشد طوری که باید هر چیزی را که در طول واحد درسی آموزش داده شده را تست کند. اگر زبان آموزان کرد پیش زمینه یکسانی از زبان داشته باشند و همه در یک فرآیند آموزش بوده باشند، در این صورت می‌توانیم ادعا کنیم که مطالعه مقابله‌ای نقش اساسی‌ای را بر عهده خواهد داشت به طوری که داوویس^۳ (۱۲: ۱۹۶۸ به نقل از رضوانی ۲۰۰۳) عنوان می‌کند:

"اگر یک تست برای گروهی از دانش آموزان که همگی پیش زمینه یکسانی

از زبان دارند، طراحی شده باشد پس آموزش مقابله‌ای ضروری است".

جیمز (۱۴۹: ۱۹۸۱) بیان می‌کند که باید درجه و میزان سختی آزمون مشخص شود و این که چه مقوله‌هایی قرار است آزموده شوند. اگر دو زبان یکسان هستند و برای زبان آموزان ساده می‌باشند این مقوله‌ها می‌توانند به عنوان سوالات فرعی به کار گرفته شوند و آنچه مهم است آزمودن مشکلات پیش‌بینی شده بر اساس بررسی مقابله‌ای می‌باشد و اینکه آیا تدریس و راهکارها موفقیت‌آمیز بوده یا نه. جیمز (۱۹۸۱) معتقد است که آزمون افرادی که در سطح پیشرفته قرار دارند باید از افراد مبتدی و متوسط سخت‌تر باشد. نتیجه هر بررسی مقابله‌ای برای طراحی آزمون بسیار مفید خواهد بود مخصوصاً طراحی سوالات چندگزینه‌ای و این نوع سوالات باعث می‌شوند تا معلم عواملی که مانع یادگیری شده‌اند را بهتر درک کند. همچنین سوالات جای خالی نیز به پیش‌بینی مشکلات کمک می‌کند تا عناصری را که باعث ایجاد مشکل می‌شوند کشف و بهتر درک کنند.

^۱ reliability

^۲ validity

^۳ Davies

نتیجه گیری

مردم زبان خود را یاد می گیرند به این خاطر که آن را می شنوند و با آن صحبت می کنند. زمانی که آنها سعی می کنند زبان دیگری را یاد بگیرند همه چیز سخت و پیچیده می شود در حالی که یادگیری زبان دوم امری بسیار ساده است. یادگیران زبان و مخصوصاً دانش آموزان نیاز اساسی به درک مقدماتی ترین عناصر دستور زبان و چگونگی کاربرد آنها دارند. آموزش دستور زبان بدون درک و در نظر گرفتن جنبه های منظور شناختی بی نتیجه و غیر مفید خواهد بود، بنابراین باید سایر جنبه های غیر زبانی نیز در کنار خود زبان آموخته شوند و به صورت ناخودآگاه درآیند. در ترجمه و استفاده از زبان، شناخت کافی روی هر دو زبان مبدأ و میزبان لازم و ضروری است (چاودرون^۱ ۱۹۸۸، وندن^۲ ۱۹۸۷، هارنر^۳ ۱۹۸۳، روبینت^۴ ۱۹۸۶، مستر^۵ ۱۹۹۶، گنتزler^۶ ۱۹۹۳).

در هر صورت نمی توان مدعی شد که بررسی مقابله ای ۱۰۰٪ مطلوب و مفید خواهد بود و هیچ روش علمی ای به این صورت یافت نمی شود. آنچه باید اضافه شود این است که بررسی مقابله ای در کلاس های آموزش زبان انگلیسی آشکارا و نهان مفید خواهد بود. بر اساس مطالعه حاضر می توان نتیجه گرفت که هر دو گونه زبانی کردی (سورانی و کرمانجی) تقریباً تمام مواردی را که در انگلیسی وجود داشت دارا بودند به جز چند مورد خاص، و نیز اینکه برخی از آنها در هر موقعیتی ظاهر نمی شوند. حروف ربط و متصل کننده های کردی (حروف ربط و قیدهای ربطی) نسبت به انگلیسی و حتی در مقایسه ای که با فارسی صورت گرفت بسیار زیاد است و این فرایند در بندهای قیدی نیز مشاهده می شود. اما در بسیاری موارد به هم شبیهند و تفاوت آشکاری دیده نمی شود جز مواردی که

^۱ Chawdron

^۲ Wenden

^۳ Harner

^۴ Robinett

^۵ Gentzler

در انگلیسی حروف ربط یا متصل کننده‌ها در دو گونه ی کردی چندین معادل داشتند که باعث گیجی و سردرگمی زبان آموز می شوند.

ادغام در بندهای دو گونه ی کردی و مخصوصاً گونه ی سورانی نسبت به انگلیسی بسیار زیاد می باشد و میزان کاربرد و تکرار ضمائر در ساخت بندهای قیدی در گونه های کردی مخصوصاً گونه ی کرمانجی بسیار کم است. در خصوص گروه های قیدی هر دو گونه ی کردی و مخصوصاً سورانی بسیار غنی هستند و این بخش از قیده‌ها می تواند مشکل اصلی در یادگیری باشد. نمونه های عربی در برخی ترکیب ها و واژگان (قیده‌های ساده و مرکب) و حروف ربط و متصل کننده ها کاربرد بسیار زیادی در گونه های کردی دارند که می توانند تا حدی مشکلاتی را در یادگیری ایجاد کنند.

منابع

احمدی گیوی، حسن و انوری، حسن. (۱۳۸۵). *دستور زبان فارسی ۱*. تهران، انتشارات فاطمی.

احمدی گیوی، حسن و انوری، حسن. (۱۳۸۵). *دستور زبان فارسی ۲*. تهران، انتشارات فاطمی.

مشکوة الدینی، مهدی. (۱۳۷۰). *دستور گشتاری فارسی*. مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.

ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۲). *دستور زبان فارسی*. تهران، مرکز نشر کتاب.

Baker, C.L. (۱۹۸۹). *English Syntax*. London; The MIT Press.

Chawdron, Craig. (۱۹۸۸). *Second Language Classroom*. N.Y.: Cambridge University Press.

Carl, James. (۱۹۸۱). *Contrastive Analysis*. ۲nd impression, Longman.

Els, Van Theo et al. (۱۹۸۹). *Applied Linguistic and the Learning and Teaching of Foreign Languages, Baltimore, Maryland*: Edward Arnold.

- Francis, Nelson. (۱۹۵۸). *The Structure of American English*. N.Y.: Ronald Press.
- Frank, Marcella (۱۹۹۳). *Modern English*. N.J.: Prentice-Hall Regents.
- Genztler, Edwin. (۱۹۹۳). *Contemporary Translation Theories*. N.Y.: Routledge.
- George, H.V. (۱۹۷۲). *Common Errors in Language Learning: Insights from English*. Rowley; Mass.
- Harmer, Jeremy. (۱۹۸۳). *The Practice of English Language Teaching*. London; Longman.
- Lambton, A.K.S. (۱۹۶۷). *Persian Grammar*. London; Cambridge University Press.
- Lefevere, Andre. (۱۹۹۲). *Translation, History, Culture*. N.Y.: Routledge.
- Master, Peter. (۱۹۹۶). *Systems in English Grammar*. N.Y.: Prentice-Hall Regents.
- McKay, Sandral. (۱۹۸۵). *Teaching Grammar*. N.Y.: Pergamon Press.
- Monteith, M & Miles, Robert. (۱۹۹۲). *Teaching Creative Writing*. Philadelphia: Open University Press.
- Murphy, R. (۱۹۹۴). *Grammar in Use (Basic)*, N.Y.: Cambridge University Press.
- Naber, T. Vera & Sevigny, S. (۱۹۹۳). *A Grammar Manual*. Ontario; Prentice-Hall Canada Inc.
- Newmark, Peter. (۱۹۸۸). *Approaches to Translation*. N.Y.: Prentice-Hall Regents.
- Prator, C.H. (۱۹۶۷). *Hierarchy of Difficulty*. Quoted in Brown, H.D. ۱۹۸۷.
- Rezvani, Payman. (۲۰۰۳). *Pedagogical Comparative Study between English and Iranian Kurdish Phonology*. MA thesis, Islamic Azad University of Tabriz.
- Richards, J.C. (۱۹۷۵). *Error Analysis*. England; Longman.

Robinet, B.W. & Schachter, J. (۱۹۸۶). *Second Language Learning*. Michigan; The University of Michigan Press.

Swan, Michael. (۱۹۸۹). *Practical English Usage*. London; Oxford University Pres.

Thewlis, Stephen. (۱۹۹۷). *Grammar Dimensions*. Boston: Heinle & Heinle Publishers.

Wenden, A. & Rubin, J. (۱۹۸۷). *Learner Strategies in Language Learning*. N.J.: Prentice-Hall International.

A descriptive and comparative study of adverb construction in Kurdish (Sorani and Kurmanji) and English.

Ahmad Ahmadian

Department of General Linguistics, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Mahabad Branch, Mahabad, Iran.

abstract

In this survey the simple and compound adverbs in two dialects of Kurdish language (Sorani and Kurmanji) have been compared and then the results have been compared with English examples. At first the structure of simple and compound English adverbs were studied and then the two dialects of Sorani and Kurmanji were compared with each other and comparatively with English adverbs.

According to difficulty gradation, three levels have caused problems for Kurdish language learners including: reinterpretation, overgeneralization and recognition. So awareness of similarities will facilitate learning language for Kurdish learners (positive transfer). By surveying and analyzing mentioned languages and dialects we would determine four principles of language learning for Kurdish learners, including: selection (what is taught), gradation (when is taught), comparative teaching (program and course units) and examination (testing what is learned).

Key words: simple adverb, compound adverb, comparative analysis,